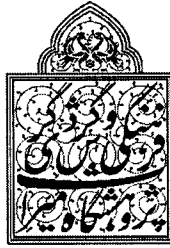




آشنایی با

علم معانی در زبان فارسی

دکتر داریوش ذوالفقاری



آشنایی با

علم معانی در زبان فارسی

دکتر داریوش ذوالفقاری

سیرشناسه	:	ذوالفقاری، داریوش، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدیدآور	:	آشنایی با علم معانی در زبان فارسی/ داریوش ذوالفقاری.
مشخصات نشر	:	تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۴ ص.؛ جدول.
شابک	:	978-600-6953-97-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۹۷.
موضوع	:	فارسی -- معانی و بیان
موضوع	:	معانی و بیان
شناسه افزوده	:	پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵ ۹۱۵/۵ PIR256
رده بندی دیویی	:	۸۹۰/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۱۹۵۷۲۳



نام کتاب: آشنایی با علم معانی در زبان فارسی

مؤلف: دکتر داریوش ذوالفقاری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

نمونه خوان: لیلا عسگری

صفحه آرایی و طرح روی جلد: خسرو نوروززاده چگینی

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

نوبت چاپ: نخست / ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۵۳-۹۷-۷

لیتوگرافی و چاپ: چاپ دیجیتال کهن

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تلفن: ۶۰-۶۶۷۳۶۴۵۲-۰۲۱، نمابر: ۶۶۷۳۶۷۸۸-۰۲۱

فروشگاه الکترونیکی کتاب انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: www.richtbook.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار مؤلف	۹
مقدمه	۱۵
فصل نخست	۲۱
پیشینه علم معانی در زبان فارسی	۲۱
۱- تاریخچه علم معانی	۲۳
۱-۱- کتاب‌های فارسی علم معانی	۲۷
۱-۲- دلائل الاعجاز عبدالقاهر جرجانی	۴۰
۱-۳- برخی از کاستی‌های مطالعات بلاغی	۵۴
فصل دوم	۶۱
علم معانی و زبان‌شناسی	۶۱
۱- ادبیات و زبان‌شناسی	۶۳
۲- زبان و زبان‌شناسی	۶۹
۳- نقش‌های زبان	۷۲
۴- زبان ادبی	۸۰
۵- تحلیل گفتمان	۸۲
۶- کاربردشناسی	۸۴
۷- نظریه کنش گفتاری	۸۵
۸- نظریه استنباطی گرایس	۸۶
۹- دیدگاه هلیدی	۹۰
۱۰- فرمالیسم و علم معانی	۹۷
فصل سوم	۱۰۱
علم معانی	۱۰۱
۱- موضوع علم معانی	۱۰۲
۲- فایده علم معانی	۱۰۲
۳- تعریف علم معانی	۱۰۲

۱۰۵	۴- ابواب علم معانی.....
۱۰۷	۴-۱- معنی ضمنی ساختارهای نحوی.....
۱۲۷	۴-۲- ذکر و حذف:.....
۱۳۴	۴-۳- تقدیم و تأخیر مسند و مسندالیه.....
۱۳۶	۴-۴- تعریف و تنکیر.....
۱۴۱	۴-۵- قصر یا حصر.....
۱۴۶	۴-۶- فصل و وصل.....
۱۵۷	۴-۷- ایجاز، اطناب، مساوات.....
۱۷۷	۴-۸- چند بحث بلاغی دیگر.....
۱۹۳	خلاصه و جمع‌بندی.....
۱۹۵	خلاصه.....
۱۹۸	جمع‌بندی.....
۱۹۹	فهرست منابع و مآخذ.....

دیباچه

فرهنگ ایرانی، فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی است که علیرغم تنوع و تکثر موجود در جامعه امروزی به انسجام ملی کمک نموده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهنسال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی را به همراه می‌آورد. عزت ملی از گسیختگی فرهنگی ممانعت نموده و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد.

در ارتباط با موارد مذکور فعالیت هر پژوهشگاه میراث فرهنگی بر بخشی از فرهنگ گسترده ایرانی حسب تکلیف تعیین شده بر آن، متمرکز است. عظمت این گستردگی فرهنگ و تمدن به گونه‌ایی است که برای شناخت دقیق آن باید در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی استقرار یافته در منطقه نیز تامل نمود.

با نگرش سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق آن و فراهم ساختن بستری مناسب برای ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و قدرت بخشیدن و پر رنگ ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش شده و احیای هنرهای از یاد رفته این مرز و بوم و همچنین در راستای انجام ششمین وظیفه برشمرده برای پژوهشگاه، گام مصمم این است که گزیده تحقیقات معمول شده در هر یک از پژوهشگاه‌ها به ویژه آثاری که حاصل تتبعات مشترک پژوهشگاه و موسسات تحقیقاتی و آموزشی هم‌مطراز بین‌المللی به صورت ممکن در وضعیت نشر قرار گیرند که ماحصل آن طریقه-ایی است برای کاربردی کردن دانش به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه استراتژی پژوهشگاه در راستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

بار دیگر اذعان می‌نمائیم پژوهش عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر و پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده اصل حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم است؛ لذا برای ایجاد برآیند حاصل از نتایج و تحلیل یافته‌های مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوطه می‌تواند عامل موثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای بهینه‌ساختن برنامه‌های دست انجام و نیز راهنمایی برای نسل آینده در راستای شناسایی و معرفی و هویت‌بخشی ایران باشد.

به علت گستردگی حوزه فرهنگ و تعدد عوامل تاثیر گذار بر آن حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن می‌تواند اولین گام باشد لذا پژوهشگاه بر آن است با همکاری پژوهشگران و استادان این رسالت را انجام دهد و امیدوار است با حرکت در این مسیر دست همیاری و همراهی شما را در دست گرفته تا بتواند گام موثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

پیشگفتار مؤلف

سخن هر چه گویم همه گفته‌اند

بر باغ دانش همه رفته‌اند

حکیم فردوسی

کدام شنونده و خواننده باذوقی است که با خواندن میراث گرانسنگ متون نظم و نثر فارسی، شور و شعورش افزونی نمی‌یابد؟ به راستی راز این همه شورآفرینی و شعوربخشی چیست؟

چرا با خواندن این شعر از حکیم طوس که در مورد همسر انوشیروان سروده است:

وگر پاکدل مرد یزدان‌پرست	اگر شاه دیدی وگر زبردست
ز پوشیدن و خورد و جای نهفت	چنان دان که چاره نباشد ز جفت
یکی گنج باشد براگنده زن	اگر پارسا باشد و رای زن
فروشته تا پای مشکین کمند	به ویژه که باشد به بالا بلند
سخن گفتنش خوب و آوای نرم	خردمند و هشیار و با رای و شرم
به بالای سرو و به دیدار ماه	برین سان زنی داشت پرمایه شاه

احساس می‌کنیم یک کتاب بلندبالا در وصف زن خوانده‌ایم؟
چرا با خواندن این غزل از عطار نیشابوری که گفته است:

عزم آن دارم که امشب نیم مست	پای کویان کوزه دودی به دست
سر به بازار قلندر در نهم	پس به یک ساعت بیازم هرچه هست
تا کی از تزویر باشم خودنمای	تا کی از پندار باشم خودپرست
پرده پندار می‌باید درید	توبه زهاد می‌باید شکست
وقت آن آمد که دستی بر زخم	چند خواهم بودن آخر پای‌بست
ساقیا در ده شرابی دلگشای	هین که دل برخاست غم در سر نشست
تو بگردان دور تا ما مردوار	دور گردون زیر پای آریم پست
مشتري را خرجه از سر برکشیم	زهره را تا حشر گردانیم مست
پس چو عطار از جهت بیرون شویم	بی جهت در رقص آییم از الست

چنان سرمست می‌شویم که به یکباره دست از همه تعلقات پست می‌شوئیم؟
و چرا با خواندن این اشعار از مولوی بزرگ که فرموده است:

عشق آن شعله‌ست کو چون بر فروخت	هرچه جز معشوق باقی جمله سوخت
تیغ لا در قتل غیر حق براند	در نگر زان پس که بعد لا چه ماند
ماند الا الله و باقی جمله رفت	شاد باش ای عشق شرکت‌سوز زفت

گویی همه عرفان اسلامی را مرور می‌کنیم.

و چرا با خواندن این غزل نغز از شیخ سعدی شیرازی که سروده است:

رفتگی و نمی‌شوی فراموش	می‌آیی و می‌روم من از هوش
سحرست کمان ابروانت	پیوسته کشیده تا بناگوش
پایت بگذار تا ببوسم	چون دست نمی‌رسد به آغوش
جور از قبلت مقام عدلست	نیش سخت مقابل نوش

بی‌کار بود که در بهاران	گویند به عندلیب مخروش
دوش آن غم دل که می‌نهفتم	باد سحرش ببرد سرپوش
آن سیل که دوش تا کمر بود	امشب بگذشت خواهد از دوش
شهری متحذلثان حسنت	الا متحیران خاموش
بنشین که هزار فتنه برخاست	از حلقه عارفان مدهوش
آتش که تو می‌کنی محالست	کاین دیگ فرو نشیند از جوش
بلبل که به دست شاهد افتاد	یاران چمن کند فراموش
ای خواجه برو به هر چه داری	یاری بخر و به هیچ مفروش
گر توبه دهد کسی ز عشقت	از من بنیوش و پند منیوش
سعدی همه ساله پند مردم	می‌گوید و خود نمی‌کند گوش

انگشت به دهان می‌مانیم و قبای بلند سخنوری را زیبای قامت او می‌دانیم؟

و چرا با خواندن این غزل خواجه حافظ شیرازی که می‌فرماید:

ساقی به نور باده برافروز جام ما	مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما
ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم	ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق	ثبت است بر جریده عالم دوام ما
چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان	کاید به جلوه سرو صنوبر خرام ما
ای باد اگر به گلشن احباب بگذری	زنهار عرضه ده بر جانان پیام ما
گو نام ما ز یاد به عمدا چه می‌بری	خود آید آن که یاد نیاری ز نام ما
مستی به چشم شاهد دل‌بند ما خوش است	زان رو سپرده‌اند به مستی زمام ما
ترسم که صرفه‌ای نبرد روز یازخواست	نان حلال شیخ ز آب حرام ما
حافظ ز دیده دانه اشکی همی‌فشان	باشد که مرغ وصل کند قصد دام ما
دریای اخضر فلک و کشتی هلال	هستند غرق نعمت حاجی قوام ما

احساس می‌کنیم یک دوره زیباشناسی سخن را در محضر بزرگان ادب فارسی

گذرانده‌ایم؟

سخن را کوتاه کنیم که اگر بخواهیم همین‌گونه از شاهکارهای متون ادبی زبان فارسی شاهد مثال ذکر کنیم و از اسرار آنها بپرسیم مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود. نگارنده که از پژوهشگران متون نظم و نثر فارسی است و روزگار خود را در خواندن و فهمیدن این میراث عظیم سپری می‌کند و همواره در جست و جوی اسرار زیبایی و اثرگذاری این آثار بوده است، از وقتی که محضر استادان کم نظیر این عرصه را درک کرد، و کتاب‌های آنها را خواند شوریده‌سر به این فکر افتاد که حاصل مطالعات خود را به دوست‌داران میراث کهن سال علوم ادبی پیشکش کند. کتاب را پیش از چاپ چند نفر از دوستان و همکاران خوانده و نکاتی که به ذهنشان رسیده یادآوری کرده‌اند.

دوست ارجمندم دکتر محسن پورمختار استادیار دانشگاه حضرت ولی عصر (عج) رفسنجان پس از خواندن کتاب نوشت:

«کتاب آشنایی با علم معانی در زبان فارسی، به یکی از مباحث ادبیات فارسی که معمولاً به دلیل دشواری کمتر به آن اقبال می‌شود پرداخته است. اهمیت کتاب علاوه بر موردی که ذکر شد بیشتر به خاطر آن است که علم معانی را که تاکنون از منظر ادبیات عربی نگریسته می‌شد از دید زبان و ادبیات فارسی مورد تحقیق قرار داده و شواهد آن غالباً از شاعران فارسی زبان خصوصاً حکیم فردوسی است که از این نظر منحصر به فرد است.»

دوست گرانقدرم دکتر منصور نیک‌پنا استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان نوشت:

«اگرچه در خصوص علم معانی در ادبیات فارسی و عربی همچنان که نویسنده اشعار داشته تاکنون کارهایی صورت پذیرفته است لیکن این اثر با عنایت به کیفیت جمع‌آوری و نوع نگاه نویسنده و تفکیکی که در معرفی تاریخچه و همچنین تلخیص و ترکیبی که در مباحث مربوط به علم معانی انجام داده است بدیع و مناسب است. از این

رو باید به نویسنده تبریک گفت.»

از استادان گرانقدر و خوانندگان عزیز خواهشمندم نکات انتقادی و پیشنهادی خود را به نشانی zolfaghari1185@gmail.com ارسال فرمایند تا در چاپ‌های بعدی، این اثر با بهره گرفتن از آنها به زیور طبع آراسته شود.

و الحمدلله رب العالمین

داریوش ذوالفقاری

تهران اسفندماه ۱۳۹۴

مقدمه

«سخن گفتن به مقتضای حال مخاطب» اساس همه تعریف‌هایی است که از علم معانی و در معنای وسیع‌تر آن برای بلاغت، به دست داده‌اند. منظور از «حال» اقتضای حال مخاطب است؛ ولی هم متقدمان در علم بلاغت از آغاز تا زمان عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ ه.ق.) و هم علمای زبان‌شناس امروز که به تحلیل سخن می‌پردازند، برای اقتضای «حال»، معنای بسیار گسترده‌تری در نظر دارند که همه اوضاع و احوال سخن گفتن را شامل می‌شود: اقتضای حال گوینده، اقتضای حال مخاطب، اقتضای حال زمان، اقتضای حال مکان، اقتضای حال موضوع و نوع ادبی و در کل همه شرایطی که زمینه‌های سخن را فراهم می‌کند.

توجه سخنور ماهر به مقتضای حال که منظور از آن همه این‌هاست و ایراد سخن به اقتضای آن، زبان او را از زبان هنجار و اسلوب روزمره که همگان به کار می‌برند متمایز می‌سازد و زیبایی و اثرگذاری آن را افزونی قابل ملاحظه‌ای می‌بخشد. کشف و توصیف اثرگذاری‌های زبانی (بلاغت) که سخنور با ساختارهای نحوی، آفرینش صور خیال و آرایش‌های لفظی و معنوی در سخن ایجاد می‌کند، وظیفه اصلی علم بلاغت است.

در نخستین کتابهای بلاغی به زبان فارسی از قبیل ترجمان البلاغه رادویانی، حدائق الشعر رشید و طواط و المعجم شمس قیس رازی، همه شگردهای ادبی و زبانی یعنی معانی، بیان و بدیع با هم مطرح شده است. ابن معین (حوالی سال ۲۷۴ ه.ق.) نیز در کتاب

البديع برای زبان عربی همه این شگردها را تحت یک عنوان مطرح کرد. اما در قرن پنجم شیخ عبدالقاهر جرجانی دو فن معانی و بیان را به ترتیب در دو کتاب «دلائل الاعجاز» و «اسرار البلاغه» از هم جدا کرد تقسیم‌بندی شیخ در زبان عربی سنت شد اما ادبای فارسی تقریباً تا امروز سبک رادویانی و امثال او را از دست نداده و هنوز هم معانی و بیان را علم مستقلی از بدیع محسوب نمی‌دارند و علم بدیع را شامل هر سه فن می‌دانند و مطالب معانی و بیان را هم در کتاب‌های بدیع ذکر می‌کنند. (همایی، ۱۳۷۳: ۱۵)

ظاهراً نخستین کسی که فن بدیع را متضمن مطالب معانی و بیان ساخت، ابن معتر است، شاید ابن معتر و پس از او مؤلفان فارسی زبان این کتاب‌ها حق داشتند که این مطالب را تحت یک عنوان گرد آورند؛ اگر دانش بلاغت معیار سنجش سخن از نظر ساختار متن (جمله-نحو) و ساختمان کلمات (نوع کلمه-صرف) است، پس همه دانشهای بلاغی اعم از معانی و بیان و بدیع با یکدیگر تعامل و اشتراکاتی دارند و غایت هر سه فن، بلاغت (رسایی) است.

دلیل آمیختگی این فنون شاید تا امروز هم موجه جلوه نماید، چه مباحثی چون کنایه، ایهام، تناسب (مراعات نظیر)، لف و نشر، اغراق، التفات، اسلوب معادله، اسلوب حکیم، تلمیح، مجاز و انواع تشبیه و استعاره، هم از نگاه دانش معانی قابل نقد و بررسی است و هم از نگاه علم بیان و بدیع؛ مثلاً کنایه مشترک با علم بیان و معانی است و ایهام تناسب، تقسیم، لف و نشر، اغراق و التفات مشترک علم معانی با بدیع است. و «استعاره و تشبیه از مصادیق ایجاز است» (شمس قیس، ۱۳۸۷: ۳۷۸)

گفت‌وگو و لحن از عناصر داستان در نوع ادبی داستان (نظم یا نثر) از نگاه علم معانی قابل نقد و بررسی است؛ چه اساساً علم معانی کارش بررسی ساختار نحوی مطالبی است که میان دو یا چند نفر رد و بدل می‌شود (دیالوگ) و اقتضای حال مخاطب و دیگر انواع اقتضا که از این رهگذر پیش می‌آید همه در گرو همین گفت‌وگوی

دوجانبه است که تقدیم و تأخیر، ایجاز، اطناب و حصر و قصر عناصر جمله را ایجاب می‌کند.

علم معانی در کتاب حاضر با عنایت به نوع تقسیم‌بندی این فنون در میان متقدمان و رعایت اصول سنجش سخن در نگاه معاصران تألیف شده است.

مروری بر تاریخ علم بلاغت نشان می‌دهد که در زبان فارسی به اندازه زبان عربی در جستجوی شگردهای بلاغی آثار این زبان برنیامده‌اند؛ شگردهایی که با کاوش در شاهکارهای ادبیات فارسی به دست می‌آید و می‌توان بر اساس آنها علم معانی مختص به زبان فارسی را نوشت. به جز چند مؤلف انگشت‌شمار که در روزگار ما قدم‌هایی در این راه برداشته‌اند و کوشیده‌اند شواهد مورد نیاز را برای شرح مبانی علم معانی از متون نظم و نثر فارسی انتخاب کنند، سایر آثار حتی از ذکر مثال‌های فارسی نیز بی بهره‌اند.

تا روزگار حاضر کتابی مستقل در فن معانی و بیان تألیف نشده است، اگر هم شده با همان اسلوب معانی و بیان عربی است که به فارسی ترجمه شده است. از جمله پیش‌کسوتان در تألیف کتاب معانی و بیان مخصوص زبان فارسی استاد جلال‌الدین همایی (ف: ۱۳۵۹ ش) است که خود در مقدمه تألیفی با همین عنوان آورده است: «بنده سعی کرده‌ام قسمتی از قواعد معانی و بیان مخصوص زبان فارسی را نیز گوش‌زد کنم و از این رهگذر فن معانی و بیان مختص زبان فارسی را پایه‌گذاری کنم تا ان شاء الله جوانان تحصیل کرده متذوق علاقه‌مند دنباله کار مرا بگیرند لا اقل قسمتی از کار و وقت خود را مصروف زبان ملی خود سازند.» (همایی، ۱۳۷۳: ۱۶)

ناگفته نماند فارسی‌گویان شبه قاره هم در سده‌های اخیر تلاش‌هایی برای تألیف کتاب‌های بلاغت در زبان فارسی کرده‌اند، از جمله سراج‌الدین علی خان آرزو (۱۱۰۱- ۱۱۶۹ هـ. ق) که از شاعران بزرگ فارسی‌گوی هند به شمار می‌رود، دو کتاب با عنوان «موهبت عظمی» در علم معانی و «عطیه کبری» در علم بیان به رشته تحریر درآورده است که در جای خود شرح این آثار خواهد آمد. (ر. ک ۱-۱)

امروزه با توجه به پیشرفت‌های علم زبان‌شناسی و بعضی از شاخه‌های آن مانند: تحلیل گفتمان^۱، کاربردشناسی^۲، نظریهٔ کنش گفتار^۳ و همچنین بعضی از نظریات ادبی فرمالیست‌ها و نظریات تازه‌ای که در نقد ادبی و سبک‌شناسی مطرح است و با توجه به آنچه که امثال عبدالقاهر جرجانی در کتاب‌هایی مثل دلائل الاعجاز نوشته‌اند می‌توان مقدمات تدوین علم معانی مختص زبان فارسی را فراهم آورد؛ کاری که انگیزه‌بخش نوشتهٔ حاضر و کوشش‌هایی مانند آن است.

نقد و تحلیل متون ادبی از دیدگاه علمی که در ادبیات مطرح هستند یکی از بهترین روش‌های شناخت، ارزیابی و معرفی این متون است. پژوهش‌گر عرصهٔ زبان و ادبیات فارسی برای اینکه بتواند سره را از ناسره تشخیص دهد و مرتبهٔ هر شاعر و نویسنده‌ای را نسبت به شاعران و نویسندگان دیگر مشخص کند، ناچار است با علوم ادبی آشنایی کافی داشته باشد. به دیگر سخن، علوم ادبی ابزار کارآمد و مفیدی است که می‌توان با بهره گرفتن از آن، متون ادبی را با شیوه‌ای علمی و نسبتاً دقیق بررسی کرد و شناخت. «شاید مهم‌ترین مباحث ادب، مباحثی باشد که به میزان تأثیر و زیبایی آثار ادبی رسیدگی می‌کند. گاهی این مباحث در علمی که نقد ادبی خوانده می‌شود و دامنه‌ای بسیار وسیع دارد، مطرح می‌شود و زمانی در علمی که بر روی هم «بلاغت» نامیده می‌شود. با اینکه در فرهنگ اسلامی «نقد ادبی» - در دو شاخهٔ نقد الشعر و نقد النثر - سابقه‌ای دیرینه دارد. و کتاب‌های بسیاری در باب نقد ادبی نوشته شده، اما بیشترین جلوه‌گاه کوشش‌های ادیبان ایرانی و عرب در حوزهٔ مباحثی است که محور علم بلاغت است و از قرن دوم هجری، در میان مسلمانان، بحث دربارهٔ اینکه بلاغت چیست و چه عناصری دارد، مطرح بوده و کتاب‌های بی‌شماری در این باب نوشته شده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۳: ۴۷-۴۸)

1- Discourse Analysis

2- pragmatics

3- speech act theory

اهداف کلی و رفتاری

- ۱- آشنایی با پیشینه، مبانی، مواد و منابع علم معانی.
- ۲- دریافت این مطلب که مبانی نظری و عملی علم معانی مختص زبان فارسی از راه جست‌وجو در شاهکارهای ادبیات این زبان به دست می‌آید.
- ۳- دریافت این نکته که بعضی از شاخه‌های زبان‌شناسی با علم معانی در ارتباط است و برای شناخت این علم آشنائی با زبان‌شناسی هم لازم است.
- ۴- آشنایی با شگردها و ظرایف سخن گفتن به مقتضای حال (بلاغت) و توانایی کاربرد آنها.
- ۵- افزایش توانایی درک و التذاذ بیشتر از شاهکارهای زبان و ادبیات فارسی.
- ۶- توانایی کشف اسرار و دلایل اثرگذاری (بلاغت) متون ادبی و توصیف آنها.